

دکتر «نعمت احمدی‌نسب»، حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری یا آن ته‌لچه جنجالی به چهره‌های سرشناس تبدیل‌کرده‌ی باشد. به قول خودش «شغلی مطبوعات نیست اما عشقش مطبوعات است و ۵۰ سالی می‌شود از حوزه مطبوعات فاصله نگرفته‌است»؛ چه‌نمونه‌خوانی در روزنامه اطلاعات در دوره جوانی و دانشجویی باشد چه قبول وکالت پرونده‌های چهره‌های سرشناس رسانه‌ای. پس وقتی قرار شد موضوع «نظام نظارتی کارآمد بر مطبوعات» را مورد واکاوی قرار دهیم «نعمت احمدی‌نسب» یکی از بهترین گزین‌ها بود؛ نظامی نظارتی که هم حق و حقوق اهالی مطبوعات را به رسمیت بشناسد و ادا کند و هم مانع تضییع حقوق افراد حقیقی و حقوقی و سازمان‌ها نشود؛ موضوعی که احمدی معتقد است تا زمانی که روزنامه‌نگاری به صورت یک شغل و حرفه رسمی درنیاید و روزنامه‌نگاران تنها دغدغه زندگی‌شان نوشتن و روزنامه‌نگاری نباشد، نمی‌توان انتظار داشت نظام نظارتی کارآمدی بر مطبوعات حاکم شود. ■ ■ ■

آقای احمدی! مطبوعات به عنوان نماینده افکار عمومی شناخته می‌شوند و به نمایندگی از مردم وظیفه دارند چالش‌های مختلف را پیگیری کنند اما در این بین گاهی خیرنگاران و رسانه‌ها با چالش‌هایی مواجه می‌شوند و گاهی برخی گزارش‌های منتشر شده در تضاد با منافع عمومی یا موجب نقیض حقوق اشخاص است؛ مواردی که می‌تواند نشانه‌ای از خلأ نظام نظارتی مناسب بر مطبوعات باشد. از نظر شما یک نظام نظارتی کارآمد بر مطبوعات باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟

مطبوعات از نظر ساختار قضایی با دیگر مؤسسات دیگر نهادها فرق دارد. مطبوعات از معدود موضوعاتی هستند که در قانون اساسی اصلی به آن اختصاص پیدا کرده است؛ اصل ۱۶۸ قانون اساسی می‌گوید: «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی‌است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد.» نحوه انتخاب، شرایط اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند. بنابراین مطبوعات کاملاً از همه عناوین متمایز شده‌است. حتی برای رسیدگی به جرائم و اتهامات رئیس‌جمهور و وزرا گفته نشده که در دادگاه‌های عمومی نباشند فقط درباره مطبوعات این مسئله ذکر شده است. برای مطبوعات هم یک هیئت نظارت در نظر گرفته شده که این هیئت نظارت ترکیبی است از چند مجموعه.

یعنی به نظر شما قانونگذار اساسی جمهوری اسلامی نوعی از استقلال را برای مطبوعات در نظر گرفته‌است؟

بله؛ قانونگذار درباره مطبوعات یک استثنای در نظر گرفته است. بر اساس نگاه قانون، رسیدگی به دعوی مطبوعاتی در صلاحیت دادگاهی یا محوری منصفه است. نحوه صدور مجوز برای مطبوعات با صدور مجوز برای دیگر مشاغل فرق می‌کند. مطبوعات رکن چهارم آزادی‌است. به باور من در سالیان اخیر نگاه بی‌طرفی در نظارت بر مطبوعات نبوده، بلکه یک نوع نگاه جناحی بر آن حاکم بوده‌است.

پس با این توضیح تان ساختار نظارتی فعلی حاکم بر مطبوعات را کارا نمی‌دانید؟

ببینید مطبوعات باید از جایی تغذیه شوند و تنها بحث نظارت بر مطالب نیست. در حال حاضر آیا در تقسیم‌بندی پاره‌انه مطبوعات عدالت رعایت می‌شود؟ باید نظارتی عادلانه

گفت‌وگو

زهرا چذری



محمود عارفی‌اجران

گفت‌وگوی «جوان» با نعمت احمدی نسب درباره لایحه جامع سازمان نظام رسانه‌ای

نظام نظارت بر مطبوعات کارآمد نیست

چهارم آزادی هستند؟ باید به وظیفه عمل کرد و قرار نیست تنها عنوان رکن چهارم آزادی را به دوش بکشیم.
اگر ما یک نظام نظارتی کارآمد بر مطبوعات داشته باشیم ترازوی منطقی و عادلانه تری را برای سنجش‌ها به افکار عمومی نمی‌دهیم؟

صد در صد.

خب چطور می‌شود چنین نظام نظارتی را تدوین کرد؟

اول باید خود ما نظارت‌پذیر باشیم. قلم خیلی مقدس است و ما نباید با بغض، قلم روی کاغذ بیاوریم.

اجازه بدهید من به شکلی دقیق تر سؤال را مطرح کنم. سبیل من این است که اگر رسانه‌ها به هر دلیلی خیر کذبی را درباره یک شخصیت حقیقی یا حقوقی منتشر کردند آیا جایی هستی که به حقوق این فرد رسیدگی کند؟

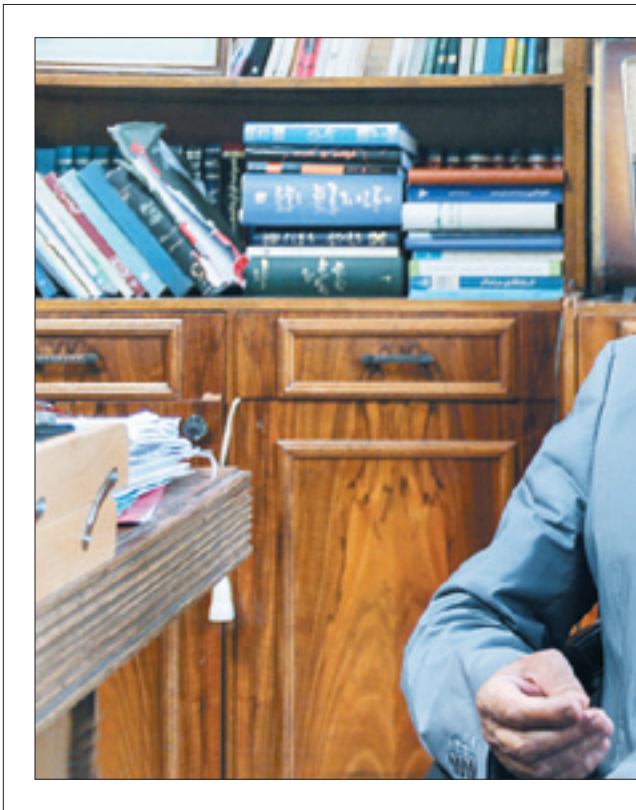
ماده ۲۳ قانون مطبوعات می‌گوید اگر روزنامه‌ای اکاذیبی را نسبت به فرد یا سازمانی منتشر کرد تا یک ماه می‌تواند تکذیب‌های را برای آن مطلب بنویسد و آن مطبوعه موظف است با همان فونت و در همان صفحه تا دو برابر مطلب اصلی این تکذیبیه را چاپ کند و دوم اینکه چنین فردی می‌تواند به اتهام نشر اکاذیب علیه نشریه به دادسرا شکایت کیفری کند. البته این نظام نظارتی نیست، نگاه قانونی است که این حق من به نوعی



۱- تصاحب کردن

تصاحب کردن یعنی کسی با مال رفتاری کند که انگار مال خودش است؛ مثلاً آن را بفروشد و یا هدیه دهد یا اینکه مالک اصلی مال وقتی مال را مطالبه می‌کند، آن را برنگرداند. حتماً باید کسی که خیانت در امانت می‌کند قصد تصاحب را داشته باشد و این در عمل با اقداماتی که گنیمت نشان دهد.

تصاحب کردن نیاز به استمرار ندارد و در همان لحظه اول خیانت در امانت واقع می‌شود. پس ندانم مال مورد امانت پس از ابلاغ کردن اظهارنامه رسمی نشان‌دهنده تصاحب کردن مال توسط امین است. حتماً باید امانتگذار مالش را مطالبه کند و امین مالش را پس ندهد تا بگوییم خیانت در امانت است و حتماً باید امین قصد تصاحب کردن را داشته باشد که همان سوءنیت تلقی می‌شود. اگر هم امین پس از اینکه مال را تصاحب کرد، پشیمان شد و خواست مال را برگرداند جرم خیانت در



باید این حق را برای مطبوعات قائل باشیم

هستند و یک اتحادیه‌ای، انجمنی، سندیکایی، کانونی، چیزی در این‌حد داشته باشند. دعوای مطبوعاتی میان اهالی مطبوعات نباید به دادگستری ارجاع شود. اهالی مطبوعات یک خانواده هستند

حتمی اگر نگاهشان فرق کند

است. کسی نمی‌تواند از حاکمیت همیشه راضی باشد. مطبوعات باید حاکمیت را نقد کنند در غیر این صورت مانی‌توانیم جامعه را به سوی پیشرفت ببریم اما اگر این نظام حاکم نشود مطبوعات ما به پلوتن تبدیل می‌شوند و دیگر در عمل چیزی به عنوان مطبوعات نداریم.

خب آیا مطبوعات یک تشکل صنفی برای حمایت از روزنامه‌نگاران و اهالی مطبوعات نیاز ندارد؟ شاید اگر نظامی صنفی وجود داشته باشد بتواند به دغدغه‌های اهالی مطبوعات رسیدگی کند
بخشی از مشکلاتی که شما اشاره داشتید و موجب شده تا روزنامه‌نگاری شغل نباشد را حل کند. شما این‌طور فکر نمی‌کنید؟

آیا این کار اساساً شدنی است؟ باید این حق را برای مطبوعات قائل باشیم که یک صنف هستند و یک اتحادیه‌ای، انجمنی، سندیکایی، کانونی، چیزی در این حد داشته باشند. دعوای مطبوعاتی میان اهالی مطبوعات نباید به دادگستری ارجاع شود. اهالی مطبوعات یک خانواده هستند

حتی اگر نگاهشان فرق کند. در این نهاد نظارتی دایره صلح و سازش و داوری حقوقی باید اجتماعی باشد. در چنین شرایطی این نظارت موضوعی اتدنی است.

یعنی به باور شما اختلافات درون خانواده مطبوعات نظیر کمی کردن مطلب کس دیگر به نام کس دیگر و اختلافاتی از این دست باید در یک نهاد صنفی و داخلی از خود مطبوعات حل و فصل شود نه نهاد نظارتی خارجی؟

بله؛ البته یک نکته‌ای را هم توجه کنید. در دیگر کشورهای دنیا مثلاً یک ستون‌نویس روزنامه تایمز مثل یک سرمایه‌دار زندگی می‌کند و این قدر برای قلمش بها قائل می‌شوند که از این قلم زندگی‌اش تأمین می‌شود. یعنی حرفه‌اش روزنامه‌نگاری است و چون حرفه‌اش روزنامه‌نگاری است برای شغلش احترام قائل است و اجازه نمی‌دهد حرفه‌اش از دست برود. همان‌طور که مثلاً من پروانه وکالت دادگستری دارم و عضو هیئت علمی دانشگاه هستم، مسلماً کاری نمی‌کنم که پروانه وکالتم باطل شود یا مرا از دانشگاه کنار بگذارند چون شغلم این است و از آن تراق می‌کنم.

لایحه جامع سازمان نظام رسانه‌ای هم موضوعی است که مدتی است توجه محافل رسانه‌ای و دانشگاهی را به خود معطوف داشته و موافقان و مخالفانی دارد. نظر شما درباره این لایحه چیست؟

چرا شما چنین نظری دارید؟
مطبوعات رقیب دولت است. باید «جر دولت» آجر و سیمان و کیسه گچ حمل کرده‌است یا مثلاً ماشینی به شما امانت داده شده که تا قسم بروید و برگردید، اما تا بندرعباس می‌روید و برمی‌گردید. در اینجا هم باید سوءنیت و قصد استفاده ناپجا و برخلاف شرط وجود داشته باشد. باید بدانیم که هر استعمالی مال را از بین نمی‌برد و ممکن است مال همچنان باقی بماند و خیانت در امانت نیز محقق باشد.

۳- اتلاف (تلف کردن)
این مورد که معنائش واضح است؛ یعنی کسی بیاید و از روی عمد و سوءنیت مال را تلف کند. تلف کردن عمدی چه

نسبت به کل مال باشد یا قسمتی از آن و حتی نسبت به وصفی که دارد، اگر همراه با سایر شرایط باشد خیانت در امانت است. مثلاً کسی به دیگری ماشینش را به امانت سپرده؛ این فرد چه کل ماشین را خراب کند و یا یکی از شیشه‌هایش را بشکند یا عمداً رنگ دیگری روی رنگ زیبای ماشین بپاشد خیانت در امانت است. در این مورد فرقی نیست که خیانت در امانت توسط امین مستقیماً انجام شود یا غیرمستقیم. مثلاً خودش ماشین شماره ۱ آتش بزند و یا شرایطی را ایجاد کند که ماشین شما آتش بگیرد. ممکن است کسی که باید امانت دهد را نسبت به مال مورد امانت انجام دهد عمداً انجام دهد و منجر به از بین رفتن مال مورد امانت شود؛ مثلاً گلدانی را به کسی سپرد و او عمداً به آن آب ندهد و گل پژمرده شود و از بین برود.

۴- مفقود کردن (گم کردن)

گم کردن یعنی اینکه امین بدون اینکه مال را تلف کند، باعث شود که مالک نتواند به

حقوق

علی نقی‌نژاد*

حفاظت قانونی از محیط زیست

اصل ۵۰ قانون اساسی، یگانه اصل «حق بر محیط زیست سالم» است که به شهروندان یادآوری شود. طبق این اصل، «در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد، باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن، که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است» و از آنجایی که طبق بند «ج» از ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۴۱۱ قمری: «اسداری از ادامه زندگی بشریت، تا هر جایی که خداوند مشیت نماید، وظیفه شرعی می‌باشد» بنابراین وظیفه عمومی و شرعی ملت است که باید ضمن رعایت همگانی محافظت از محیط زیست ایران – که به نسل سوم حقوق بشر متعلق است – و با توجه به ضرورت ادامه زندگی برای خود و آیندگان، شرایط بهتری در جامعه اسلامی فراهم گردد. از آنجا که منشا آلودگی‌ها به وجود کارخانه‌ها و کارگاه‌های گسترده در یک‌جا، عبور و مرور مکرر وسایل حمل و نقل شخصی و عمومی و… برمی‌گردد و طبق قانون اساسی، حفاظت از محیط زیست، یک وظیفه عمومی تلقی شده، ضروری است با توجه به «امکانات نامحدودی» که در سرتاسر ایران وجود دارد و نیز «بازار حاکمیتی» که توسط «قانون مدیریت خدمات کشوری» در اختیار دولت نهاده‌ین شده، پیش از آنکه منابع مادی و طبیعی کشورمان در معرض نابودی قرار بگیرد، «راه عملیاتی شدن برنامه‌های وعده داده شده دولت» در مقابل مردم، اجرایی شود.

ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، درباره امور حاکمیتی مقرر می‌دارد: «آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه شده و بهره‌مندی از این نوع خدمات، موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود.»

یکی از مصادیق امور حاکمیتی، در بند «ط» از ماده ۸ همان قانون، «حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی» برشمرده شده است. علاوه‌بر اینها، یکی از نکات مهمی که حتی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران به وضوح دیده می‌شود، «بر خوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب» است.

اینکه مدتی است استان خوزستان در منجلاب ریزگردهای آلوده قرار گرفته، خبری است پس ناگوار و فجع‌تر از آن اینکه، چرا دولت با وجود تصریح قانونگذار به وظایف متعدددش اقدام جدی‌ای انجام ندهد است؟! اگر امور حاکمیتی که زیرساخت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و… مملکت را شامل می‌شود در اختیار هم قانون اساسی، قانون مدیریت خدمات کشوری و قوانین دیگر به نحوی وظیفه دولت را در حفظ منافع ملی و منابع طبیعی به‌طور واضح بیان کرده، دیگر نباید معطل آیین‌نامه، بخشنامه، امضای نگاه‌نامه همکاری و… باشیم.

قانونمداری، رکن مهمی است که هم مردم عموماً و هم دولت خصوصاً، اگر پایبند به آن باشند، ضرری متوجه آنها نخواهد بود. «قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است… این قانون‌گرایی و قانونمداری، اگر چنانچه جا افتاد، مسلماً خیلی از آسیب‌ها و بین خواهد رفت.» (۹۲/۶۶) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بااعضای هیئت دولت.

وظیفه عمومی مردم، حمایت از راهکارهای عملی دولت است و اقدامات دولتمردان، نشانه همت والا و دغدغه‌مندی آنها نسبت به برطرف کردن مشکلات موجود در نظام جمهوری اسلامی است. اگر جاشکی همکاری و تعاون بین مردم و دولت کاهش پیدا کند، اقتدار دولت فروکش خواهد کرد و ضعف عملکرد دولت در وضعیت‌های بحرانی جامعه را به خوبی نشان خواهد داد و این، برای اعتلا و عظمت جایگاه ایران در برابر دیگر کشورهای مسلمان و حتی کشورهای آزادی‌خواه غیرمسلم است؛ که چشم آملی‌ها به سیاست‌گذاری‌ها و عمل به ارمان‌های مقدس نظام اسلامی دوخته شده است، پسبندیده نخواهد بود. به راستی اگر در مقابل چنین اتفاقات غیرمترقب‌های قرار بگیریم و از قبل، برای رفع و درمان، راهکارهای عملیاتی متناسب با آن رانداشته باشیم، نامی به نکویی نخواهد ماند، مخصوصاً اگر دولتی، شناسنامه خود را تدبیر و امید معرفی کرده باشد.

*** پژوهشگر و شهسکده شورای نگهبان**

پیش‌حقوقی

در ساختمان ۱۲ واحدی ساکن هستیم. خوردو خود را در قسمت حیاط ساختمان بدون مزاحمت پارک می‌کنم. ۱۱ واحد رضایت دارند فقط یک واحد مخالف است. تکلیف چیست؟

در تصرفات مادی و غیر مادی در مشاعات ساختمان، استفاده و بهره‌مندی از مال مشاع برای هر گونه دخل و تصرف، نیازمند رضایت ۱۰۰ درصدی تمام صاحبان حق می‌باشد. به عبارتی دیگر، هیچ شریکی بدون اجازه شریک دیگر حق دخل و تصرف مادی در مال مشاع را ندارد.

به عنوان مثال برای دخل و تصرف در قسمت مشاع، اگر ۹۰ درصد از صاحبان حق رضایت دهند، رضایت ۱۰ درصد صاحبان دیگر هم الزامی است. در صورت عدم رضایت آن ۱۰ درصد، به هیچ عنوان امکان دخل و تصرف در قسمت مشاع وجود ندارد.

خانمی هستیم که شوهرم فوت شده، آیا می‌توانم مهریه خود را از مراجع قضایی طلب کنم؟

زوجه می‌تواند از لحظه پس از فوت همسرش تا هر زمان که بخواهد برای مطالبه مهریه به خود به دادگاه خانواده محل اقامتش مراجعه کند و دادگاه نیز براساس اموال باقی‌مانده از برده، مهریه را به همسرش می‌دهد.

ما زمینی داریم که بین چند نفر مشاع است. دادگاه به در خواست یکی از طرفین حکم به افزایش داده‌است. بفرمایید معنی افزایش از نظر حقوقی چیست؟

افزایش به معنای جدا کردن چیزی از چیز دیگر و در واقع تفکیک سهم هر یک از شرکای ملک است که از طریق تراضی بین شرکا یا تقسیم اجباری توسط دادگاه انجام می‌شود. افزایش، استقلال بخشیدن در مالکیت مشترک از طریق اعطای هر بخش از مال مشترک که یکی از شرکا است.

کارفرمای ما هنگام عقد قرارداد یک برگ چک به‌عنوان ضمانت از ما گرفته‌است. آیا این چک قابل ضمانت زدن است؟

چک ضمانت یا چکی که بابت تضمین انجام تعهد صادر می‌شود در صورتی امکان وصول دارد که متعهد خلف وعده کرده یا در انجام معامله یا تعهدی که به عهده گرفته، قصور کند. به عبارت دیگر برای وصول یا برگشت زدن چک ضمانت، دارنده چک باید تخلف و نقض تعهد صادرکننده چک را اثبات کند.